

تاگور و سیستمِ تحصیلاتِ نوین[♦]

ذاکره شریف قاسمی*

رابیندرا نات تاگور در زمینه‌های مختلف فعال و اندیشمندی فوق‌العاده ممتاز در دوره خود بوده است. او درباره تحصیلات هم اندیشه‌ها داشته که حتی امروز هم باید مورد توجه ما قرار گیرد. باید عرض شود که او از جمله افراد معدودی است که اندیشه‌های خود درباره شئون گوناگون زندگی را به‌راه انداخت. برای این‌که آنها را عملی سازد، کارهای خستگی ناپذیر را انجام داد. آنچه درباره تحصیلات فکر می‌کرد، آن را در درسگاه‌ها در شانتی نکیتن پیاده کرد و راه جدیدی و مفیدی را در دوره خود نشان داد.

تاگور باری درباره کودکی و تحصیلات خود گفته بود:

”من در محیط آرزو، آرزو برای توسعه روح انسان، بزرگ شده‌ام. ما در منزل خود خواهان آزادی قدرت در زبان خود، آزادی فکر در ادبیات خود، آزادی روح در عقاید مذهبی و ذهن در محیط اجتماعی خود بوده‌ایم. این‌گونه فرصت مرا اعتماد در قدرت تحصیلات بخشید که عنصری همراه با زندگی است و تنها آن می‌تواند به ما آزادی حقیقی بدهد، ارفع‌ترین چیزی که برای انسان می‌خواهند، آزادی اشتراک اخلاقی در جهان انسانی است.“^۱

♦ مبنی بر نگاه‌های از تاگور شناسان.

* استاد فارسی دانشگاه جواهرلعل نهر، دهلی‌نو.

۱. مجله سه‌ماهی «وشوآبارتی»، آوریل-ژوئیه.

در این نظر تاگور، یک گروه چهار واژه - آرزو، قدرت، آزادی و اشتراک - را تعریف می‌کنند و تاگور می‌خواهد انسان را چطور در مرکز کائنات او، چنان‌که او افکار خود دربارهٔ تحصیلات را توضیح داده است، جای دهد.

تا اوایل قرن بیستم چون تحصیلات غربی داخل زندگی ما در هند شده بود، هیچ یک به نظر می‌آید، دربارهٔ تحصیلات کامل فکر نکرده بود که فرصت یادگرفتن در آنجا که ارتباط مابین انسان و طبیعت، مابین هنرهای آزاد و هنرهای زیبا و نمایش دهنده و در آنجا که انسان در مرکز کائنات است، فراهم کرد. تنها دانش و مهارت ما را به‌عنوان انسان‌ها جایی نمی‌برد و ما نیاز به چیزی دیگر از اینها داریم. این فکر در اعلامیهٔ اینستین به‌زیبایی مطرح شده است. او گفته است:

”تنها دانش و مهارت نمی‌تواند انسان‌ها را به‌زندگانی محترم و مسرت‌آمیزی ببرد. بشریت هرگونه عللی دارد مدعیان ارزش‌ها و استانداردهای عالی اخلاقی را بر کاشفین راستی بیرونی ارجحیت دهند. برای آنچه بشریت ممنون اشخاصی مثل بودا، عیسی و مسیح است، برای من عالی‌ترین از همه موفقیت‌های ذهن جوینده و سازنده است.“

به‌فهرست این «ذهن‌های بزرگ» که اینستین (۱۸۹۷-۱۹۵۵ م) آماده کرده است، می‌خواهم تاگور را هم شامل آن کنم نه فقط برای شعرها، درام‌ها، داستان‌ها، نول‌ها، نغمه‌ها و نقاشی‌هایش، بلکه هم برای فلسفه و افکار دربارهٔ تعمیر ملت و افکار او راجع به «انسان را چه کامل می‌سازد» و «چطور مسرت‌تخلیقی» چنان‌که در موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی و یا نوشتن همراه با علوم به‌کاربردنی جلو می‌رود.

دربارهٔ افکار تاگور و راجع به تحصیلات، او کوتیل اظهار نظر کرد: ”به‌جای مطالعات فرهنگ‌های ملی برای جنگ‌هایی که برنده شد و تسلط فرهنگی که تحمیل گردید، او برای سیستم تحصیلات که تاریخ و فرهنگ را جهت پیشرفتی که برای شکستن موانع مذهبی و اجتماعی مورد استفاده قرار داده است، توجیه می‌کرد. این‌گونه رفتار ابداعی را مورد تأکید قرار می‌داد که برای متحدسازی افراد با سابقه‌های مختلف در چارچوب بزرگتر

بعمل می‌آید و در طرح سیاست‌های اقتصادی برای عدالت اجتماعی و کم کردن فاصله مابین ثروتمند و فقیر به کار می‌رود.“
 وقتی که تاگور ۸۰ ساله بود، به تجربه خود در شانتی نکیتن نگاه کرد و به ما گفت که او چطور جایی را برای «علوم» در برنامه در اینجا (در آتما کارینا) به وجود آورد:

”چون من تعهد نمودم تحصیلات را که زمینه تخلیقی آن کائنات تخلیقی شعری اصلی بود، فراهم نمایم، من اینجا خواستار همکاری زمین، آب و آسمان شدم. می‌خواستم آیین توبه برای دانش را به سکوی مسرت به‌نهم. سعی کردم دانشجویان جوان را در باغ جشن طبیعت با خواندن ترانه‌های خوش‌آمد برای هر فصل الهام بخشم، در اینجا درست در آغاز، ما جایی برای رمز اصل کائنات به وجود آوردیم. می‌خواستم جایی را برای دانشمندان در برنامه کل و پرروحیه خود به وجود آورم. به این علت، علوم، موفقیت خاصی امتیازی در جای کار ما داشت. ویدهاها به ما می‌گویند: یکی که بدون آن حتی دانشمندترین نمی‌تواند به‌ثمری برسد، یکی که می‌تواند به او تنها با عقل و خرد رسید و نه از طریق زمزمه کردن و یا آیین‌های پرستش.“

به این علت بود که سعی کردم از هر دو مسرت و خرد در به وجود آوردن تخلیقی اینجا استفاده کردم.

دیدید که به عکس عقیده ما، اینجا حرفی درباره «الوهیت» با «ماورای طبیعت» نیست که خیلی جالب توجه است. تاگور اینجا درباره ایجاد ارتباط مابین نیروهای خرد، علوم و قدرت مسرت - هنرها حرف می‌زند. به طور کلی، توجه او این است که هر دو باید در جایی نشان داده شوند که در آن نیاز به پروردن و تربیت شدن آنهاست و باید حتماً با مسایلی معامله کنند که متعلق به انسان و طبیعت در دوراور اوست. بنابراین اینها باید همکاری زمین، آب و آسمان و فضای دورادور را حتماً داشته باشند و هم باید با تغییر فصل‌ها مرتبط شوند.

این‌که تحصیلات معنی‌اش یادگرفتن حسب عادت، حفظ کردن و ارائه مجدد آن نیست، از پاراگراف‌های آغازین کتابش به‌عنوان «وشوابارتی» آشکار است: «تحصیلاتی که از تکرار تشویق می‌کند، تحصیلاتِ ذهن نیست بلکه می‌توان آن راحتی به‌طور مکانیکی کسب کرد».

درست است که ارائه مجدد مکانیکی نمی‌تواند هدف فرا آمده باسواد به‌عنوان نمونه باشد. تحصیلات از ما می‌خواهد حق را کشف و باز کنیم و آن را طبق لیاقت‌های خود بیان نمایم. در اینجا او درباره فشارها حرف می‌زند. ملت خاصی ممکن است فشارهای مختلف داشته باشد که در حدود آن یکی قادر باشد حق علمی با مشاهده را بیان کند. تاگور اعتماد دارد که هند از همیشه در رأس آنهایی می‌بوده است که معماهای دانش را حل کرده و درباره تصفیة بحران جهانی فکر کرده است.

باز هم تاگور گلایه‌ای دارد که درحالی‌که هند معماهای دشوار مسایل دانش را حل کرده و اتخاذ ذهنی داشته ولی حالا ذهن آن به‌نژاد، طبقه، زبان و مذهب تقسیم شده است. او هشدار می‌دهد جابه‌جایی عضو دانشمندی با قطع اعضای احساس از کل جسم یک نفر را بی‌کار یا بی‌حرکت می‌سازد و این حقیقت معلوم است که تنها وقتی که ما همه ده انگشت دست‌های خود را به هم می‌پیوندیم، می‌توانیم پیاله‌ای بسازیم و نذر و نیاز کنیم. باعث تعجب نیست که او بهترین دانشمندان اروپایی و آسیایی را در دانشگاه خود دعوت کرد و بعضی چهره‌های درخشان عصر خود را به‌عنوان استاد اعزامی در رشته‌های مختلف گردآورد. این تسهیل فراهمی تماس، او فکر می‌کرد، از خودی خود به‌افکار و دانش جدید منجر خواهد شد.

بنابراین، او می‌گوید که ما نیاز برای عمران سیستمی داریم که سنن تحصیلات را از تواریخ تمدن ویدیکا (ویدک)، پورانیکا، بودها، جینا، مسلمان کسب کند و راه خودمان را برای آماده کردن نسل‌های جدید کشف نماید و این‌طور به‌ظهور مردمان و زنان با کیفیات رهبری مناسب کمک کند. او می‌گوید: شما اگر خود را مفصل و به‌طور گیرا نمی‌دانید، نمی‌توانید با نقل و پیروی

دیگران، هند را بسازید. این کار را تنها با یادگرفتن به هم‌آمیزی سنن مختلف می‌توان انجام داد و گرنه ما سیستم معیار دوم را بروز می‌آوریم که بر «انتقال» دانش و تکنولوژی مبنی است.

تاگور دلیل می‌آورد که در غرب، هر کشور و هر فرهنگ و جامعه‌اش هدف‌های مقصود خود را دریافت نموده‌اند و اینها مبنی بر آن هدف‌ها تصمیم گرفته‌اند چه نوع سیستم تحصیلات لازم است. ولی در کشور ما به‌جای زندگی یا جیونا، یا «جیویکا» است که جای اصلی را در برنامه‌ریزی تحصیلات گرفته است. چون معیشت و یا استخدام مربوط به آنچه ما نداریم و آنچه نیاز به آن داریم «اباوا و پرایوجنا» است، هدف زندگی زیاد ارفع است. این جستجوی به‌دست‌آوری کمالی یک نوع دنیوی است که خیلی اعلی‌تر از جنبه‌های دنیوی وسیله استخدام است که به‌هرحال چون بر جاده درست تحصیلات جلو می‌رویم، به‌دست خواهد آمد. تا آنجا، ما باید حتماً مابین هدف اعلی‌تر یعنی آزادی، خودمختاری آداب معاشرت و هدف «پایین‌تر» یا «اتفاقی»، وسیله استخدام، مهارت و لیاقت تکنیکی فرق بگذاریم. در برنامه کار تاگور، بنابراین قضیه بود که انسان و آزادی بشریت مورد توجه مرکزی او بوده است.